

عشاق و شهر

مطالعه‌ای درباره جوانان و فضاهای عمومی در شهر رشت

فردین علیخواه^۱

معصومه شادمنفعت^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲

چکیده

در بین اندیشمندان شهری، به نحوه مواجهه گروه‌های اجتماعی مختلف با فضاهای عمومی شهری توجه زیادی شده است؛ که در بین این گروه‌های اجتماعی جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که آنان حضور ملموسی در فضاهای عمومی شهر دارند و حیات اجتماعی شهر نیز از حضور آنان تأثیر می‌پذیرد. این مقاله به بررسی استفاده‌های جوانان از فضاهای عمومی می‌پردازد و نگاه ویژه‌ای به نقش کنترل اجتماعی در استفاده از فضاهای عمومی خواهد داشت. مقاله بر مطالعه جوانانی تمرکز دارد که با دوستان جنس مخالف خود در فضاهای عمومی حضور می‌یابند. ما در این مقاله از نظریه‌های فضاهای عمومی شهری همچون نظریه مکان سوم اولدنبرگ، به علاوه تحقیقات مفصل راب وایت درباره جرم، پلیس و فضاهای عمومی شهری در استرالیا تأییراتی گرفته‌ایم. سؤال اصلی مقاله آن است که این گروه خاص از جوانان کدام فضاهای عمومی را بر اساس چه دلایلی ترجیح می‌دهند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که پارک‌ها و کافی‌شاپ‌ها از جمله مکان‌های عمومی ترجیحی جوانان هستند. کنترل رسمی، این جوانان را به مکان‌های عمومی شهری دنج و پرت سوق می‌دهد.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، کنترل رسمی و غیر رسمی، جوانان.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) falikhah@guilan.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان Shamila.shadmanfaat@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

طی دهه‌های اخیر؛ نحوه استفاده گروه‌های اجتماعی از فضاهای شهری از کانون‌های توجه مطالعات جامعه‌شناختی شهر بوده است (تراولو^۱، ۲۰۰۳: ۲). مسئله اصلی این نوع مطالعات بر این ایده اساسی قرار گرفته است که سن، جنس، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، قومیت، دین‌داری و برخی دیگر از متغیرهای اجتماعی بر مصرف مکان‌های شهری و اساساً حضور در شهر مؤثرند (بوندی^۲، ۱۹۹۸). برای مثال با ملاحظه معیار گروه‌بندی سنی و شهر، طی دو دهه اخیر مقالات بسیاری در حوزه کودکان و شهر به چاپ رسیده است (نیوونهایس^۳ ۱۹۹۷؛ ماتئوس^۴ ۱۹۹۵؛ ماتئوس و لیمب^۵ ۱۹۹۹؛ اوبرایان^۶ و همکاران، ۲۰۰۰) زیرا اعتقاد بر این است که پنداشت‌های گروه‌های مختلف سنی از شهر بر حسب تجربه زیسته‌شان با یکدیگر تفاوت دارد (اوون^۷، ۱۹۹۸: ۱۸). محققان معتقدند که محیط‌زیست شهری بر حسب استفاده و معیار تفاوت‌های جنسیتی، طبقه اجتماعی و قومی به طیف گسترده‌ای از قلمروهای عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود (وایت^۸، ۱۹۹۰؛ مک روبی^۹ و نوا^{۱۰} ۱۹۸۴، به نقل از وایت ۱۹۹۳، ۱۹۱). در واقع از نظر جامعه‌شناسان شهری باید استفاده‌های مختلف استفاده‌کنندگان مختلف از فضاهای عمومی را شناسایی و بررسی کرد.

در همین راستا، با توجه به نقش تأثیرگذار جوانان در حیات اجتماعی و فرهنگی شهرها، بخش قابل توجهی از مطالعات نیز معطوف به بررسی رابطه آنان با شهر بوده است (برای نمونه ر.ک. وولی^{۱۱} و جونز^{۱۲}، ۲۰۰۱؛ مالون^{۱۳} ۲۰۰۲). هدف اصلی این نوع مطالعات، بررسی مکان‌یابی اجتماعی جوانان در محیط‌های شهری^{۱۴} است. پیاده‌روها،



1. Travlou
2. Bondi
3. Nieuwenhuys
4. Matthews
5. Limb
6. O'Brien
7. Owens
8. White
9. McRobbie
10. Neva
11. Woolley
12. Jones
13. Malone
14. social location of young people in the urban environment

پارک‌ها، میادین ورزشی، سالن‌های اسکیت، محدوده مدارس، کافه‌ها، ایستگاه‌های مترو، بازارها، مراکز تجاری و توالت‌های عمومی مکان‌هایی هستند که معمولاً جوانان در آن‌ها تردد بیشتری دارند (کارینگتون^۱، ۱۹۸۹؛ به نقل از وایت ۱۹۹۳: ۱۹۱). استفاده کنندگان این فضاها بر حسب اینکه چرا در این مکان‌ها حضور دارند و چگونه زمان خود را در آن‌ها سپری می‌کنند، متنوع‌اند. اهمیت جوانان در محیط‌های شهری از آن جهت است که گه‌گاه بر حیات شهر و استفاده از فضاهای عمومی تأثیر می‌نهند. آنان برای مثال با جدایی‌گزینی فضایی^۲ و نوع رفتارهای خود در محدوده‌های متعلق به خودشان، برخی فضاها را به فضایی غیر قابل ورود^۳ تبدیل می‌سازند. برخی به دنبال نشان‌دادن این امر هستند که جوانان چگونه معانی و درک متفاوتی از فرایندهای اجتماعی - سیاسی محیطی که در آن زندگی می‌کنند را می‌سازند (نارین^۴ و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۰) موضوع دیگری که همواره در تحقیقات مربوط به جوانان و شهر مورد توجه بوده است، رابطه بین سه ضلع جوانان، شهر و پلیس در یک مثلث مطالعاتی است. در اینجا به نقش کنترل رسمی بر استفاده جوانان از شهر توجه می‌شود و کانون مطالعات، تعامل بین پلیس و جوانان^۵ در محیط‌های شهری است (برای نمونه ر.ک. برونسون^۶ و وایتزر^۷ ۲۰۰۹). وضعیت نگران‌کننده چنین تعاملی، نظامی‌شدن فضاهای شهری^۸ است. به همین دلیل معمولاً کشورهای مختلف، بر پایه یافته‌های تحقیقاتی، برنامه‌های خود را در زمینه اداره فضاهای عمومی تعریف می‌کنند (ر.ک. گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۹ ۲۰۱۱، وایت ۲۰۰۲).

در خصوص موضوع جوانان و شهر، لایه‌های مختلفی از آنان می‌توانند مطالعه شوند. برای مثال دانش آموزان و دانشجویان، جوانان دارای مشاغل نیمه وقت، جوانان دارای مدارج مختلف موفقیت تحصیلی، جوانان ساکن محلات حاشیه شهرها، جوانان خلاف کار و غیره از آن جمله هستند. منظور آن است که رابطه هر یک از گروه‌های اجتماعی پیش‌گفته و شهر

1. Carrington
2. spatial separation
3. no - go areas
4. Nairn
5. police - youth interaction
6. Brunson
7. Weitzer
8. militarization of public space
9. UNODC





می تواند مورد مطالعه و توجه باشد. در این مطالعه به گروهی از جوانان توجه کرده ایم که در موقعیت رابطه دوستی با جنس مخالف قرار داشته اند. در واقع با در نظر گرفتن نقش کنترل رسمی^۱ و غیر رسمی^۲ بر رفتارهای این جوانان، تعامل آنان با شهر و مصرف فضاهای شهری را بررسی کرده ایم. مفهوم کنترل اجتماعی را نخستین بار ادوارد آ. راس^۳ وارد واژگان جامعه شناسی کرد. مقصود او از آن، همه فرایندهایی (مانند قانون جزا، پلیس، دادگاه ها و زندان ها و حتی مذهب، هنر، آموزش و پرورش، افکار عمومی و ...) بود که افراد را به هم نوایی با هنجارها و ارزش های جامعه وا می دارد (سلیمی، داوری، ۱۳۹۱: ۴۴۹). کنترل اجتماعی غیر رسمی معمولاً به فرایند جامعه پذیری اشاره دارد و به معنای ابزارهای غیررسمی تشویق و تنبیه افراد به هم نوایی با هنجارهای حاکم است که معمولاً از طرف اجتماع به کار گرفته می شود. کنترل اجتماعی رسمی، به ضمانت های بیرونی رسمی نظیر قانون، پلیس و دادگاه اشاره دارد که هدف از آن واداشتن افراد به رعایت قوانین است. تاکنون در زمینه جوانان و تعامل آنان با برخی از مکان های شهری همچون پاساژها تحقیقاتی صورت گرفته است (ر.ک. کاظمی ۱۳۹۲؛ کاظمی و رضائی ۱۳۸۶) ولی تحقیق مستقلی درباره این لایه از جوانان^۴ صورت نگرفته است. دو مفهوم مرکزی مورد توجه مقاله حاضر، جوانان و مکان های مختلف شهری و به دنبال آن نقش عواملی همچون کنترل رسمی بر تعامل آنان و شهر است.

پرسش های محوری مقاله حاضر آن است که:

۱. جوانان در فضاهای شهری متفاوتی نظیر کافه ها، پارک ها، سینماها، پاساژها و پیاده راه ها حضور دارند. کدام یک از فضاهای مذکور بیشتر مورد اقبال عشاق قرار دارد؟
۲. اعمال کنترل نهادهای رسمی می تواند رفتار جوانان را در خصوص حضور در فضاهای عمومی تحت تأثیر قرار دهد. وجود یا عدم وجود چنین کنترل هایی چه نقشی در انتخاب انواع فضاهای شهری ایفا می کند؟

1. formal control
2. informal control
3. E.A. Ross

۴. در فضاهای عمومی شهری گروه های مختلفی حضور دارند که تعامل هر یک از این گروه ها با شهر می تواند مورد بررسی قرار گیرد. برای نمونه یکی از نویسندگان مقاله حاضر (علیخواه) رابطه اقلیت های جنسی و شهر را مطالعه کرده و در مقاله مستقلی به آن خواهد پرداخت. نکته ای که نویسندگان مقاله حاضر بر آن تأکید دارند آن است که هر چند واژه عشاق ممکن است واجد بار معنایی مثبتی باشد، اما لزوماً به معنای تأیید روابط قبل از ازدواج نیست. مسئله مقاله حاضر در چارچوب جامعه شناسی شهری مطرح شده و بررسی رابطه دختران و پسران در قالب آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه مستقلی را می طلبد.

۳. اطلاع خانواده‌ها از روابط فرزندان‌شان نوعی مشروعیت محسوب شده و به روابط آسان‌تر جوانان با جنس مخالف می‌انجامد. پرسش آن است که آیا وجود چنین اطلاعی در انتخاب انواع فضاهای شهری نقش دارد؟
۴. ورود اتومبیل به زندگی روزمره، رفتار ساکنان شهر را به ویژه در ارتباط با حضور در فضاهای عمومی دچار تغییر ساخت. در این مطالعه داشتن یا نداشتن اتومبیل چه نقشی در انتخاب انواع فضاهای شهری دارد؟
۵. اعمال و تشدید به کارگیری رویه‌های کنترلی در فضاهای عمومی شهری چه تبعات و پیامدهایی در بردارد؟

هم اکنون بخشی از منابع مالی و انسانی کشورمان صرف کنترل فضاهای عمومی و نظارت بر آن می‌گردد. همچنین یکی از مناقشات نظری حوزه عمومی و نیز اختلافات بین جناح‌های سیاسی نیز نحوه و میزان کنترل رفتارهای اجتماعی در فضاهای عمومی است. روشن است که هر چقدر این مناقشات و اختلاف نظرها بر تحقیقات و داده‌ها مبتنی باشد، در نهایت می‌تواند به تصمیمات منطقی تری منجر شود. ساختار مقاله به این شکل خواهد بود که پس از طرح مسئله، مبانی نظری مربوط به تحلیل پیوند جوانان و فضاهای عمومی شهری خواهد آمد. پس از این قسمت، خلاصه‌ای از چارچوب روش شناختی مقاله ارائه خواهد شد. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق که با استفاده از تکنیک مشاهده و مصاحبه به دست آمده است، قسمت بعدی مقاله خواهد بود. در نهایت با تحلیل یافته‌ها، مقاله حاضر به پایان خواهد رسید.

مبانی نظری

همان‌طور که اشاره شد رابطه جوانان و فضاهای عمومی شهری، موضوع اصلی مقاله حاضر است. در واقع پرسش اصلی مقاله آن است که جوانان و در اینجا جوانانی که به همراه جنس مخالف خود در شهر حاضر می‌شوند، ترجیح می‌دهند به کدام فضاهای شهری بروند و اعمال کنترل رسمی در چنین انتخابی چه نقشی ایفا می‌کند؟ با این مقدمه باید گفت که می‌توان از جنبه‌های مختلفی به مسئله مقاله نگریست. از طرفی بحث فضاهای عمومی که در جامعه‌شناسی شهری پیشینه قابل توجهی دارد، می‌تواند نقطه اتکاء نویسندگان مقاله قرار گیرد. از سوی دیگر مباحث مربوط به نقش کنترل رسمی یعنی پلیس در اداره و کنترل فضاهای شهری و چگونگی و تبعات آن می‌تواند نقطه اتکاء مقاله باشد. مسئله مقاله حاضر



می تواند از منظر جداگزینه مکانی نیز بررسی شود. در مجموع این مقاله تلاش کرده است تا برای فرموله کردن مسئله، نیم‌نگاهی به هر سه حوزه یاد شده داشته و پرسش‌های مطرح شده پژوهش را در چارچوب آن‌ها پاسخ دهد. نویسندگان معتقدند که تقلیل یا محدود کردن نگاه به مسئله به یکی از سه عرصه مذکور نمی‌تواند تحلیل مطلوبی از آن فراهم نماید.

مفهوم فضای عمومی، پیچیده و چندبُعدی است و معمولاً بیشتر محققان این واقعیت را تشخیص می‌دهند (نیل^۱، ۲۰۱۰: ۱). فضاهای عمومی همواره مورد توجه طراحان شهری قرار داشته است. اما اخیراً این موضوع کانون توجه جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان، دانشمندان علوم سیاسی و اقتصاددانان نیز واقع شده است. آنها نه تنها به این امر علاقه‌مندند که چطور این مکان‌ها ساخته و اداره می‌شوند، بلکه همچنین چگونگی عملکرد این مکان‌ها از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز مورد توجه واقع می‌گیرد (نیل، ۲۰۱۰: ۱) نیل با مطالعه تعاریف و دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص فضاهای عمومی، با تمرکز بر ایالات متحده آمریکا، در این خصوص سه رویکرد را تشخیص داده است. دیدگاه حقوقی - اقتصادی^۲ در جستجوی پاسخ به سؤال‌های ملموس مربوط به فضای عمومی است. اینکه فضای عمومی چیست؟ چه کسی مخارج آنرا متقبل می‌شود؟ از این رو زمینه‌ای نهادی و تعریفی (قانونی) برای مکان‌های مربوط به اجتماع افراد، مکان‌های تبادل افکار بین شهروندان و مکان‌های بحث درباره مسائل عمومی و در نهایت مناطق خاص آزادی بیان^۳ فراهم می‌آورد. این مکان‌ها به روی همه باز و برای همه قابل دسترس‌اند. در این رویکرد به شأن و جایگاه حقوقی مکان‌ها پرداخته می‌شود. اینکه کدام مکان‌ها عمومی هستند و حقوق مربوط به افراد در این مکان‌ها و نحوه محافظت از آنان چگونه است؟ در بُعد اقتصادی نیز مکان‌های عمومی به‌عنوان کالایی عمومی دیده می‌شوند که نباید افراد را از مصرف آن محروم کرد و مصرف یک فرد از آن کالا نباید موجب کاهش مصرف دیگری از آن شود. در سال‌های اخیر نحوه تأمین مالی فضاهای عمومی در جوامع سرمایه‌داری نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. اینکه این هزینه‌ها باید از مصارف عمومی تأمین شود یا بخش خصوصی؟ (نیل، ۲۰۱۰: ۲) رویکرد اجتماعی - فضایی^۴، بیشتر به دنبال شناسایی این امر است که چنین فضاهایی چه می‌کنند و یا باید



1. Neal
2. the legal-economic perspective
3. free speech zones
4. the socio - spatial perspective

چگونه به نظر برسند و اینکه چگونه باید استفاده شوند؟ (نیل، ۲۰۱۰: ۳). در اینجا این ایده وجود دارد که فضای عمومی دارای کارکردی اجتماعی است و اینکه چگونه می‌توان با طراحی بهتر، استفاده از این فضاها را تقویت کرد. دیدگاه سیاسی^۱؛ به شکلی انتقادی، فضای عمومی را عرصه ستیزی می‌بیند که مردم از آن جدا نگه داشته شده و تحت سلطه واقع می‌شوند و همچون دموکراسی، نهادی در حال زوال است (نیل، ۲۰۱۰: ۴). در اینجا با مرور افکار کسانی چون هانا آرنه^۲ و یورگن هابرماس^۳، محدودیت‌های فضاها را عمومی در کشورهای غربی بررسی می‌شود. تحقیقات مبتنی بر این دیدگاه عمدتاً بر دو موضوع کنار گذاشته‌شدگی^۴ از فضاها عمومی و نقش و سازوکارهای کنترل رفتار^۵ در این فضاها توسط سیستم‌های سیاسی، متمرکز هستند (برای مطالعه بیشتر ر.ک. به نیل، ۲۰۱۰).

در برنامه‌ریزی شهری، فضای عمومی از نظر تاریخی به‌عنوان «فضای باز»^۶ توصیف شده است که به معنای خیابان‌ها، پارک‌ها و نواحی فراغتی، پلازاها و سایر فضاها بیرونی است که به شکل عمومی مالکیت و مدیریت شده و در مقابل قلمروی خصوصی خانه و کار قرار دارند (تونلات^۷، ۲۰۰۸: ۱) جامعه‌شناسی معمولاً توجه بیشتری به موقعیت‌های فیزیکی و تعاملات روزانه مردم با یکدیگر داشته است. بیش از امکان مباحثه و گفت‌وگو، فضای عمومی بیشتر بر حسب دسترس‌پذیری؛ چه فیزیکی و چه روان‌شناختی اندازه‌گیری می‌شود (تونلات، ۲۰۰۸: ۲). این فرض دامنه مکان‌هایی را که عمومی تلقی می‌شوند به شکل قابل توجهی گسترش می‌دهد. از نگاه تونلات علاوه بر آن اشکال کلاسیک فضای عمومی نظیر خیابان‌ها و پارک‌ها، فضاها تردد نظیر تسهیلات حمل و نقلی نظیر ایستگاه‌های اتوبوس و مترو و فضاها مصرف جمعی نظیر بازارچه‌ها و مراکز خرید نیز می‌توانند - طبق معیار جامعه‌شناسی - در بحث از فضای عمومی مورد تحلیل واقع شوند. تونلات معتقد است که چالش امروز برنامه‌ریزان و محققان شهری نحوه مواجهه با این دو دیدگاه از فضای عمومی است که توسط دانشمندان علوم اجتماعی تعریف شده است:

1. the political perspective
2. Hannah Arendt
3. Jürgen Habermas
4. exclusion
5. behavior control in public space
6. open space
7. Tonnelat



حوزه عمومی^۱ و فضاهای به شکل عمومی دسترس پذیر^۲. مفهوم نخست می تواند در واژه های گفت و گو و مباحثه خلاصه شود و دومی در مسئله تحرک^۳. مورد نخست مسئله دموکراسی مشارکتی را به میان می آورد و دومی بیشتر به ایده آزادی های فردی به ویژه در شکل «حق به شهر»^۴ خود را نشان می دهد (تونلات، ۲۰۰۸: ۳).^۵

راب وایت فضاهای عمومی را به چهار بخش تقسیم کرده است:

- عرصه های دارای مالکیت دولتی ولی باز به روی عموم، نظیر پارک ها و پیاده راه ها
- عرصه های دارای مالکیت دولتی ولی دارای محدودیت هایی برای دسترسی و استفاده عموم، نظیر ورزشگاه ها
- عرصه های دارای مالکیت خصوصی ولی قابل دسترس برای عموم، نظیر مراکز خرید
- عرصه های دارای مالکیت خصوصی و منحصر به دسترسی خصوصی و شخصی، نظیر باشگاه های خصوصی و غیره (وایت، ۱۹۹۷: ۳).

گسترش فضاهای عمومی در مطالعات شهری همواره طرفداران خاص خود را داشته است. برخی همچون اولدنبورگ سعی کرده اند تا با جزئیات بیشتری فضاهای عمومی شهری را تقسیم بندی نمایند. «مکان سوم»^۶ از نظر او، مکان هایی هستند که نه خانه هستند (مکان اول)، نه محل کار (مکان دوم) و به شکل منظم توسط افرادی که به دنبال فرار از دو مکان پیش گفته هستند، مورد استفاده قرار می گیرد (کریک^۷، ۲۰۱۱: ۲). این مکان ها میزبان اجتماع افرادی است که به شکل داوطلبانه، پروپا قرص، در قالبی غیر رسمی و توأم با شادی، در خارج از قلمرو کار و خانه در آن حاضر می شوند (ر.ک. روزنوم^۸ و همکاران، ۲۰۰۹: ۴۰). اولدنبورگ^۹ در کتاب خود با محور قرار دادن موضوع مکان های سوم به نقد جامعه آمریکا نیز می پردازد. از نظر او آمریکایی ها نگاه خود به یک خانه ایده آل را



1. public sphere
2. publicly accessible spaces
3. mobility
4. right to the city

۵. برای آشنایی بیشتر با مفهوم حق به شهر به لینک زیر مراجعه شود:

<http://www.isa.org.ir/session-report/4538>

6. third place
7. Crick
8. Neal
9. Oldenburg

جایگزین نگاه به شهر ایده آل کرده‌اند (اولدنبِگ، ۱۹۹۹: ۷) اولدنبِگ معتقد است که فقدان مراکز اجتماعی و مکان‌های تجمع عمومی غیر رسمی که در برنامه‌های توسعه مسکن (نظیر محلات حومه شهری) اتفاق افتاد، منجر به آن گشت تا ساکنین این مناطق برای معاشرت، بیش از پیش به نزدیک‌ترین همسایه خود پناه برند (اولدنبِگ، همان: ۸). در نتیجه، در غیبت حیات عمومی غیر رسمی، آمریکایی‌ها آن ابزارهای کاهش استرس را که در سایر فرهنگ‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کنند، از دست می‌دهند (اولدنبِگ، همان: ۱۰). او در بسط اهمیت مکان‌های سوم در جمله قابل توجهی بیان می‌دارد که متأسفانه نظرات به این سمت متمایل است که علل استرس، اجتماعی است ولی درمان آن فردی است (اولدنبِگ، همان: ۱۰). بر خلاف این تصور، او درمان استرس را نیز اجتماعی و جمعی می‌داند و در این میان اهمیت ویژه‌ای به فضاها و شهرهای خاص اجتماع شهروندان می‌دهد. در همین راستا او معتقد است برای آنکه زندگی روزمره آرامش و شکوفایی خود را بازابد، باید در سه عرصه از تجربه تعادل خود را بازابد. نخست خانواده یا امور خانوادگی است، دوم امور ثروت و تولیدی است و سوم به‌طور کلی اجتماعی است که بیانگر اساس اجتماع و ستایش از آن است (اولدنبِگ، همان: ۱۴)

اولدنبِگ ویژگی‌های مکان‌های سوم نظیر کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها، پارک‌ها و سایر مکان‌های مشابه را تشریح کرده است. او یکی از ویژگی‌های مکان‌های سوم را خنثی بودن می‌داند. مکان‌های بی‌طرف، به مکان‌هایی اشاره دارد که نه در بند قواعد، الزامات و وظایف حاکم بر مکان اول (خانواده) هستند و نه در بند قواعد حاکم بر مکان‌های کاری و شغلی یعنی مکان دوم. به نظر او، مکان‌های سوم مکان‌هایی هستند که افراد وقتی که دوست دارند به آنجا رفت و آمد می‌کنند، در این مکان‌ها کسی میزبان کسی نیست و همه در آن احساس در خانه خود بودن و راحتی دارند (اولدنبِگ، همان: ۲۲) ویژگی دیگر این مکان‌ها را مساوات طلبانه بودن یا به تعبیر دیگر هم‌سطح‌کنندگی^۱ آن می‌داند. معمولاً در بیشتر گروه‌های انسانی افراد با قصد و هدف خاصی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در اینجا، چنین هدف‌هایی وجود ندارد. شادی، نشاط و تسکین یافتن مهم‌ترین دلایلی است که افراد با هم وقت می‌گذرانند (اولدنبِگ، همان: ۲۵). در واقع منزلت و مقام اجتماعی افراد در این نوع مکان‌ها موجب برتری یا تفاخر نمی‌گردد و همه





شرایط و جایگاه برابری دارند. گفت‌وگو ویژگی دیگر مکان‌های سوم است. گفت‌وگو در واقع همچون یک بازی زنده در مکان‌های سوم تلقی می‌شود (اولدبرگ، همان: ۲۹) آن مکان‌هایی که بهترین و کامل‌ترین خدمات را ارائه می‌دهند، آن‌هایی هستند که یک نفر می‌تواند به تنهایی و تقریباً هر زمان از روز یا عصر به آنجا برود، با این اطمینان که آشنایانی در آنجا هستند (اولدبرگ، همان: ۳۲) در این مکان‌ها امکانات و تسهیلات برای پذیرایی از افراد وجود دارد و به نیازهای آنان توجه می‌شود. وجود مشتریان پر و پا قرص نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مکان‌های سوم است. هر مشتری پر و پا قرصی، زمانی یک تازه وارد بوده است و پذیرفتن تازه واردان برای سرزندگی مداوم مکان سوم، ضروری است (اولدبرگ، همان: ۳۴) مشتریان پر و پا قرص معمولاً به این مکان‌ها حال و هوای دیگری می‌بخشند. به عنوان ویژگی دیگر، مکان‌های سوم در پی قید و بند نبوده و ساده و بی‌آلایش‌اند. اولدبرگ بیان می‌دارد که امروزه فرهنگ‌های بسیاری گرفتار تبلیغات تجاری فزاینده شده‌اند. در مکان‌های سوم اثری از فشار این تبلیغات بر افراد نیست. در این مکان‌ها از اسراف و رفتارهای پرطمطراق خبری نیست (اولدبرگ، همان: ۳۶) در این مکان‌ها روحیه شادی و شادکامی در اولویت نخست قرار دارد. حتی گفت‌وگوها در مکان‌های سوم هرگز ستیزه‌جویانه و تنش‌زا نیست (اولدبرگ، همان: ۳۸) در نهایت اولدبرگ معتقد است که هر چند در جوهری، مکان‌های سوم اساساً با خانه تفاوت‌هایی دارد، اما از نظر حمایت و آسایش روانی، مکان‌های سوم شبیه به خانه‌اند (اولدبرگ، همان: ۴۲).

برخی از محققان نظیر راب وایت از منظر کج‌روی و انحرافات اجتماعی به مطالعه جنبه‌های مختلف استفاده از فضاهای عمومی پرداخته‌اند. تحقیقات و نوشته‌های او عمدتاً بر رابطه بین پلیس و جوانان در فضاهای عمومی شهری در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی شهرهای استرالیا متمرکز است. از نظر وایت، شهرها به طیف گسترده‌ای از عرصه‌های عمومی و خصوصی تقسیم می‌شوند و اغلب بر اساس فعالیت‌ها، جمعیت‌ها و دسترسی به منابع، دارای تفاوت‌های جنسیتی، طبقاتی و قومی هستند (وایت، ۱۹۹۳: ۲۰۸) راب و ساتون^۱ در مقاله مشترکی معتقدند که کارهای نظری درباره‌ی طبیعت فضا و زمان به شکل پیوسته با تنوعی از مطالعات و مشاهداتی که به تجارب، پنداشت‌ها و نگاه‌ها به فضا از بعد طبقه، جنسیت و پیشینه

قومی توجه کرده‌اند کامل شده است. (وایت و ساتون، ۱۹۹۵: ۸۳) این کارها از تحلیل انواع مختلف خرده‌فرهنگ‌های جوانان (هال^۱ و جفرسون^۲، ۱۹۷۶؛ مک رویی، ۱۹۹۱؛ وایت ۱۹۹۳ به نقل از وایت و ساتون، همان: ۸۳)، تا تحلیل‌های متمرکز استفاده از فضاهای عمومی و فضاهای اجتماع به وسیله گروه‌های خاص نظیر افراد جوان (برای نمونه ر.ک. وایت، همان) از این زاویه دید را در برمی‌گیرد که چگونه فضا «برای» و «به وسیله» گروه‌های «حاشیه‌ای» خاص نظیر ساکنان بومی و اقلیت‌های قومی قابل شناسایی؛ بر ساخت می‌شود. (کونن^۳، ۱۹۸۸، ۱۹۹۰؛ ادوارد^۴، اوکلی^۵ و کاری^۶، ۱۹۸۷؛ ساسن^۷، ۱۹۹۳؛ میس، ۱۹۹۴ به نقل از وایت و ساتون، همان: ۸۳) وایت در بیشتر آثار خود بیان می‌دارد که نحوه مدیریت فضاهای عمومی نقش قابل توجهی در ساخت وضعیتی اجتماعی دارد که در آن جوانان و دیگران به هم پیوند می‌یابند و اینکه تضادها یا تنش‌هایی بر یک مکان خاص حاکم می‌شود. او با تقسیم کردن کنترل به دو شکل مثبت و منفی معتقد است که یک محیط دارای کنترل منفی می‌تواند موجب تصور احساس ناخوشایند و اضطراب نسبت به سیاست‌های غیرمنصفانه و رویه‌های پلیسی شود. به عبارت دیگر، یک رویکرد مثبت آن رویکردی است که نگرش‌ها و حقوق جوانان را محترم شمرده و از جوانان می‌خواهد که در اتخاذ راه‌حل‌ها شرکت کنند (وایت، ۲۰۰۲: ۲۱۰) به تعبیر دیگر وایت معتقد است که سیاست‌های مربوط به کنترل بر محیط و فضاهای عمومی باید با کمک کسانی اتخاذ شود که قرار است چنین کنترلی بر آنان اعمال گردد. او همواره تذکر می‌دهد که تشدید مقررات، رصد، کنترل و نظامی کردن فضای عمومی نمی‌تواند به حل مسئله «جرم خیابانی» (یعنی جرم جوانان) یا رابطه منفی بین پلیس و جوانان بیانجامد (وایت، ۱۹۹۳: ۱۹۹).

وایت در آثار خود سعی می‌کند نوع استفاده از فضاهای عمومی را بر حسب استفاده‌کننده‌ها جدا کند. به تعبیر خودش، مفید خواهد بود که بین استفاده‌ها و استفاده‌کننده‌های مختلف فضای عمومی در این محیط‌ها بر اساس مناطق مسکونی، محلی و مناطق تجاری تفاوت قائل شویم. محدوده‌های محلی برای مثال شامل نواحی مسکونی

1. Hall
2. Jefferson
3. Conen
4. Edward
5. Oakley
6. Kari
7. Sassen





می‌شوند که ممکن است دارای ترکیب قومی و طبقاتی متمایزی باشند، ممکن است در آن‌ها مکان‌های مختلفی (در کنار مسکن) وجود داشته باشد و فعالیت‌های مختلف اجتماعی را شامل شود (نظیر مراکز فراغت، پارک‌ها، سالن‌های اجتماعات، کلیسا، بازارهای کوچک محلی و بارها). اینجا، جایی است که حیات اجتماعی در معنی کامل آن ظهور می‌یابد. این جا مکانی است که هر فرد با کسانی که آشناست و با خانواده ارتباط برقرار می‌کند. این مکان‌ها که دارای استفاده‌های مختلفی هستند و احساس «خانه آدم» را دارند، معمولاً واجد احساسی از قلمرو یا مالکیت بر بخشی از آن نیز هستند (وایت، همان: ۲۰۸) منطقه بازار مرکزی^۱ کانون فعالیت تجاری است و بر حسب مردمی که در آنجا تردد دارند، جهان وطنی است. به ندرت کسی در اینجا زندگی می‌کند. آنها برای خریداران کالاها، مسافران (از آنجا که این مراکز معمولاً به ایستگاه‌های راه آهن و خطوط حمل و نقل عمومی نزدیک هستند) و کارگران روزمزد (کارمندان اداری، خرده‌فروشان و خدماتی‌ها) طراحی شده‌اند (وایت، همان: ۲۰۸) یک منطقه تجاری مرکزی می‌تواند به هر مرکز بزرگی برای فعالیت تجاری شامل مجموعه‌های بزرگ و بازارهای خرید شهری اشاره کند. این جا جایی است که حیات تجاری در معنای ناب آن وجود دارد. بیشتر از این نیست که بگوییم فضاهای عمومی به شکل خصوصی تحت مالکیت قرار می‌گیرند. در چنین وضعی، آنهایی که از این فضا به شکل صحیح‌اش استفاده نکنند - یعنی در آنجا برای مصرف حضور نداشته باشند - از کالاها و خدمات عرضه شده کنار گذاشته می‌شوند و تحت کنترل‌ها و کنترل‌های جدی توسط گارد امنیتی و پلیس قرار می‌گیرند (وایت، همان: ۲۰۹) رویه‌ها و الگوهای اداره کردن بر حسب ویژگی نواحی محلی (نظیر طبقه و ترکیب قومی) و همچنین وضعیت مکان در یک شهر، اینکه آن مکان محدوده‌ای محلی باشد یا منطقه تجاری مرکزی، فرق می‌کند. برای مثال می‌توان گفت که اداره کردن در مناطق محله‌ای شامل میزان مختلفی از سازش (و مقاومت) بین اجتماع محلی و پلیس در تعریف معیارهای خاص مورد استفاده برای روش‌های مناسب اداره کردن آن منطقه است (وایت، همان: ۲۱۰).

وایت معتقد است که از «مد روزها» تا «کودکان خیابانی»، زنان جوان تا جوانان بومی، استفاده از خیابان با انگیزه‌های مختلفی انجام می‌شود. این نوع استفاده‌ها می‌تواند از مکانی که در آن تفریح و سرگرمی شکل غالب استفاده است تا مکانی را در برگیرد که «بقاء» نام

1. Central Business Districts (CBDs)
2. trendies

بازی است (وایت، همان: ۲۱۲) از نظر او طبیعت و پیامدهای تماس پلیس - جوانان با متغیرهای موقعیتی نظیر ظاهر جوانان، فعالیت‌های آنان در فضای عمومی، نگرش‌ها و رفتار جوانان شکل می‌گیرد. (وایت، همان: ۲۱۲) به تعبیر او حداقل در بخش‌هایی، تعارض‌ها از تضاد آشکار بین عناصری از «فرهنگ پلیس» و عناصری از «فرهنگ جوانان» ناشی می‌شود. (وایت، همان: ۲۱۰) وایت بیان می‌دارد که گاه ممکن است تلاش جوانان برای استقرار مکان خودشان در جهان از طریق رویه‌های فرهنگی خلق شده جوانی (فورستر^۱، ۱۹۹۳) به‌نقل از وایت، همان: ۲۱۴) به آسانی توسط رسانه‌ها به «دار و دسته‌های» تهدیدکننده‌ای تغییر یابد که مخرب احترام و سازگاری هستند. در این شرایط این پلیس است که وظیفه توقف اعمال قانون‌شکنانه (در در و دیوار و خیابان‌ها) و نگه داشتن این گروه‌ها تحت کنترل نزدیک و همچنین وظیفه کنترل بر محل‌ها و پاتوق‌های معمول خاص عرصه مظاهر فرهنگی جوانان و فعالیت‌های اوقات فراغت آنان را بر عهده دارد (وایت، همان: ۲۱۴)

وایت در برخی از آثارش تلاش کرده است تا به عوامل جذب و دفع جوانان به برخی مکان‌های شهری نیز توجه کند. منظور او آن است که برای مثال چرا جوانان ترجیح می‌دهند معمولاً به مراکز تجاری شهری بیایند، تا اینکه از امکانات موجود در محل خودشان استفاده کنند. او معتقد است که برای جوانان، تحرک از مناطق محلی به نواحی تجاری مرکزی می‌تواند ناشی از عواملی باشد که برخی از این عوامل با جذابیت‌های آشکار مرکز شهر ارتباط دارد، اما ممکن است عوامل دافعه نیز وجود داشته باشند که تحرک‌های جوانان را شکل می‌دهد. برای مثال کمبود خدمات فراغتی در مناطق محله‌ای، تأثیر پلیسی شدن زیاد^۲ حیات خیابانی در محلات، تنش‌های مالی و سایر تنش‌ها در خانواده و خستگی محض از اجتماعات محلی، از آن جمله است (وایت، همان: ۲۱۳). راب وایت معتقد است که سه رویکرد برای مواجهه با کج‌روی جوانان در فضاهای عمومی وجود دارد:

روش قهرآمیز

در یک بیان کلی، اشکال قهرآمیز جلوگیری از جرم به دلایل مختلف برای علایق و منافع جوانان و کودکان زیان بخش است. در موارد بسیاری، استفاده از زور غیر ضروری است، به طور افراطی همه جوانان را مجازات می‌کند، و در نهایت از نظر اجتماعی تمایزآمیز

1. Forster
2. over - policing





است. ممکن است شکل مناسب آن باشد که اقدامات قهرآمیز در شرایط خاصی برای محافظت از افراد و اموال در مقابل رفتار مجرمانه واقعی به کار گرفته شود. به هر روی پذیرش زور به عنوان یک استراتژی و به عنوان اصل اساسی ممانعت از جرم مجرمان از زاویه دید حقوق جوانان و علل جرم جوانان، دارای مسائل متعددی است (وایت، ۱۹۹۷: ۲) معمولاً استراتژی تساهل صفر درجه^۱ در رویکرد وجود دارد. در اینجا معمولاً از نهادهای قهرآمیز استفاده شده و خشونت یا تهدید به کارگیری خشونت از مهم ترین ابزارهاست. رایت معتقد است که بنا به طبیعت شان، نهادهای قهرآمیز معمولاً از ساز و کار انگ زنی به جوانان نیز استفاده می کنند (پولک^۲، ۱۹۹۴ به نقل از وایت، همان: ۳) در اینجا این نهادها برای گروه های خاصی از جوانان، هویت نامشروعی تعریف کرده و تلاش می کنند تا آن گروه از جوانان از بقیه جامعه، جدا تعریف شوند. هدف اصلی این چنین نهادهایی برآورده کردن نیازهای وسیع نظام با برساخت مرزهای نمادین و واقعی بین آنچه رفتار «قابل پذیرش» است و آنچه که نیست، و بین آن کسانی که فرض می شود «سازگارند» با کسانی که فرض می شود «منحرفند» است (وایت، همان: ۴). روشی که در این رهیافت مورد استفاده واقع می شود بر کنترل، تأکید می ورزد و شامل دفاع از حضور قهری ملموس در خیابان ها (نظیر گشت پلیس)، استفاده گسترده از قدرت متفرق کردن جمعیت و کنترل هویت افراد و استفاده از نمایشگرهای مدار بسته در فضاهای عمومی است (وایت، همان: ۶).

رهیافت توسعه ای

در مقابل، رهیافت های توسعه ای^۳ بر فرض دربرگیری جوانان به مثابه مشارکت کنندگان مشروع در تصمیم گیری ها و فرایندهای غالب نهادی مبتنی است. در این استراتژی، ملاحظات و نیازهای جوانان به شکلی مثبت و سازنده در نظر گرفته می شود (وایت، همان: ۲) روش های مشارکتی و حل مسئله با خود جوانان مد نظر است. حل مسئله با خود ذی مدخلان شعار اساسی این استراتژی است. ایده اساسی در پس این رهیافت، فراهم کردن فضایی برای جوانان برای توسعه احساس قوی تری از شایستگی، مفید بودن، تعلق و قدرت یا استعداد است (پولک و کوبرین، ۱۹۷۳ به نقل از وایت، همان: ۷).

1. zero tolerance
2. Polk
3. developmental

رهیافت همراهانه

این رویافت بر این ایده مبتنی است که جوانان نظرات مشروعی دارند، به‌ویژه در این زمینه که در فضاهای عمومی نظیر مراکز خرید و خیابان چگونه با آنان برخورد شود و اینکه این نظرات باید در خروجی‌های مذاکرات لحاظ شود تا به نفع همه طرف‌ها شود (وایت، همان: ۹). به جای آنکه تلاش شود تا جوانان - به‌عنوان استفاده‌کنندگان برخی از فضاهای عمومی، به‌عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در حیات اجتماع، به‌عنوان صاحبان حق - از برخی فضاهای عمومی کنار گذاشته شوند، این رویافت بر نگاه دربرگیری اجتماعی^۱ مبتنی است. این رویافت بیشتر در فضاهای عمومی نیمه خصوصی همچون مراکز خرید و پاساژها کاربرد دارد و به همین دلیل معتقد است که باید مشارکت این مراکز را در بهتر کردن امور جلب کرد. در اینجا جوانان ذی‌مدخلان مشروعی دیده می‌شوند که به شکل ایده‌آل باید در هر نوع فرایند مشورتی صدای‌شان شنیده شود (وایت، همان: ۹). این دیدگاه منتقد جدی شعار «آنها را از خیابان جمع کنید»^۲ است. در مجموع راب وایت معتقد است که شهر اساساً به‌مثابه فرایندهای پیوسته در برگیری و محروم‌سازی اجتماعی دیده می‌شود (وایت، ۱۹۹۶: ۳۸). در این میان، جوانان علامت و نشان خودشان را بر فضاهای عمومی به طرق مختلفی می‌گذارند (وایت، ۲۰۰۳: ۱۰۱). سیاست‌های شهری قهرآمیز درباره جوانان اثربخش نبوده و آنان باید به‌عنوان یکی از ذی‌مدخلان شهر دیده شوند. خروجی سیاست‌های شهری باید با مشارکت خود جوانان تهیه شود.

برخی از محققانی که به مطالعه رابطه جوانان و فضاهای عمومی پرداخته‌اند به طبقات مختلف از جوانان توجه کرده و معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی نیز باید در موضوع فضاهای عمومی دیده شود. به‌زعم آنان تنش‌های پنهان حول فضاهای عمومی کمتر به این شیوه مطرح شده است که نگرش‌ها، نیازها و حقوق افراد حاشیه‌ای به‌ویژه جوانانی را بیان کند که از نظر اقتصادی و اجتماعی در حاشیه‌اند. (کران^۳ و دی^۴، ۲۰۰۱: ۵). ملون^۵ با تأکید بر خیابان به‌عنوان یک فضای عمومی مهم، معتقد است که خیابان‌ها زمینه مواجهه اجتماعی و اعتراض سیاسی هستند، محل سلطه و مقاومت‌ند، مکان خشنودی و اضطراب‌اند (ملون، ۲۰۰۲: ۱۵۷). از نظر او

1. social inclusion
2. keeping them off the street
3. Crane
4. Dee
5. Malone



به دلیل ملموس بودن حضور جوانان در خیابان‌ها، آنها دائماً در معرض رگبار رویه‌های قانونی هستند. طرد شدن یا در جایگاه مزاحم قرار گرفتن، معمولاً استفاده جوانان از خیابان‌ها به مثابه فضایی برای نمایش فرهنگ خودشان از طرف بزرگسالان سوء تعبیر شده است (ملون، ۲۰۰۲: ۱۵۷). در زمینه مقاومت جوانان از طریق فضاهای عمومی، برخی معتقدند که افراد مختلف در پیاده‌رو بنا به مقاصد، پیشینه اجتماعی و شرایط خاص خود را از این فضای شهری دارا هستند که لزوماً با اهداف و برنامه‌های سازندگان این فضای شهری هم‌خوانی ندارد و بعضاً می‌تواند شکل مقاومت و واکنش در برابر آنها به‌عنوان نیروهای سلطه را به خود بگیرد (آزاد، ۱۳۹۰: ۲۲۳).

در مجموع نویسندگان این مقاله معتقدند که در شهرهای امروزی کشورمان، جوانانی که با دوست‌جنس مخالف خود در فضاهای عمومی شهری حضور می‌یابند، انتخاب‌فضا را عمدتاً بر حسب میزان و نحوه کنترل آن فضا توسط ابزارهای اعمال کنترل رسمی یعنی پلیس، پیش می‌برند. فضاهای روبازی که امکان اعمال چنین کنترلی بر آنها بیشتر است معمولاً از دایره انتخاب جوانان خارج می‌گردد. به همین دلیل دیدگاه‌های راب وایت - که در تحلیل‌های خود تعامل بین پلیس و جوانان در فضاهای شهری را به‌عنوان دو مفهوم مرکزی برگزیده است - به‌عنوان مبنای نظری مقاله انتخاب شده است.

روش پژوهش

روش باید مطابق با موضوع مورد مطالعه انتخاب و ارزیابی شود (فلیک^۱، ۱۳۸۷: ۲۳۴) به دلیل ویژگی‌های خاص گروه مورد مطالعه، در این تحقیق از تکنیک‌های کیفی جمع‌آوری داده استفاده شده است. به این معنی که لازم بود تا نخست با مطالعه‌شوندگان ارتباط قابل اعتمادی برقرار شود و در گام بعد این فرصت فراهم گردد تا آنان در راستای محورهای مورد نظر تحقیق، نظر خود را آشکار کنند. برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، از دو تکنیک «مشاهده و مصاحبه» استفاده شد. مطالعه‌شوندگان، جوانان ساکن شهر رشت بودند که با جنس مخالف خود در فضاهای عمومی شهری حضور می‌یافتند. بیست نفر از این جوانان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر تکنیک گلوله برفی انتخاب



شدند. یعنی منبع یافتن مصاحبه‌شونده بعدی، از طریق مصاحبه‌شونده فعلی بوده است. گلیرز و اشتراوس معیار اشباع نظری را برای اتمام مصاحبه‌ها پیشنهاد می‌کنند: «اشباع نظری مقوله مبنای داوری دربارهٔ زمان توقف نمونه‌گیری از گروه‌های مختلف مربوط به آن مقوله است. نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود (یعنی دیگر چیز جدیدی به دست نیاید).» (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۰) پس یکی از راه‌های مناسب برای اتمام مصاحبه‌ها در روش کیفی، مواجههٔ پژوهشگر با پاسخ‌های تکراری مطالعه‌شوندگان است. در زمینهٔ نحوهٔ اجرا، پس از شناسایی نمونه‌ها با آنان به‌طور جداگانه و به‌صورت حضوری مصاحبه، که زمان و مکان مصاحبه بستگی به نظر مصاحبه‌شوندگان داشت. نظرات مصاحبه‌شوندگان در طول مصاحبه نوشته شده که به دلایل مختلف با ضبط مصاحبه موافقت نکردند. میانگین مدت زمان انجام مصاحبه یک ساعت بوده و مصاحبه‌ها در سال ۱۳۹۳ انجام و برای ثبت مشاهدات نیز از دوربین عکاسی استفاده شده است. استفاده از تکنیک مشاهده در دو زمان انجام شد. نخست قبل از انجام مصاحبه‌ها و برای تدقیق و گسترش اطلاعات نویسنده‌گان مقاله در خصوص موضوع تحقیق انجام شد. در همین راستا آیت‌های موضوعی مشاهدهٔ تعریف و با تکیه بر تکنیک گشت و گفت^۱ در فضاهای عمومی مختلف سطح شهر برای مشاهدهٔ آیت‌ها تلاش شد. مرحلهٔ دوم مشاهدات، بعد از انجام مصاحبه‌ها بود. یعنی به بررسی مکان‌های مشخصی پرداختیم که مصاحبه‌شوندگان به عنوان محل مکث یا استفاده خود عنوان کرده بودند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

نعیمه ۲۲ ساله، حمید ۲۴ ساله، فرناز ۲۲ ساله، حامد ۳۲ ساله، الناز ۲۲ ساله، هادی ۲۶ ساله، مریم ۱۶ ساله، رضا ۱۷ ساله، عاطفه ۲۰ ساله، امیر ۲۰ ساله، الناز ۲۱ ساله، امیر ۳۰ ساله، حدیث ۲۴ ساله، مسعود ۲۵ ساله، آرام ۲۸ ساله، محمد ۳۳ ساله، شیما و ادریس ۲۴ ساله.

یافته‌ها

انواع کنترل و انتخاب فضا

یکی از اهداف اساسی این مطالعه، بررسی نقش کنترل رسمی و غیررسمی در انتخاب مکان‌های شهری جهت گذران وقت با جنس مخالف بوده است. نویسندگان مقاله



ویژگی‌های به دست آمده از مطالعه را در سه گروه جای داده‌اند. مفهوم محافظه کار نزدیک ترین مفهوم به منظور این تحقیق بوده که در اینجا از آن استفاده شده است. طبق یافته‌های این تحقیق، می‌توان سه گروه را در این زمینه شناسایی کرد:

جدول ۱. سنخ‌شناسی عشاق استفاده‌کننده از فضاهای عمومی

مکان‌های منتخب	ویژگی گروه	انواع کنترل		گروه
		غیر رسمی	رسمی	
مکان‌های دنج، خلوت، کم تردد، کمتر قابل رؤیت	- رابطه خود را به تازگی آغاز کرده‌اند - هنوز خانواده را مطلع نکرده‌اند - در مجموع این نوع دوستی‌ها را به تازگی تجربه می‌کنند - دختران بیشتر در این مقوله قرار دارند - نسبت به آبرو و وجهه اجتماعی حساسیت دارند	+	+	محافظه کاران فضاهای عمومی
مکان‌های دنج، خلوت، کم تردد، کمتر قابل رؤیت	- پسران بیش از دختران در این مقوله قرار دارند - خانواده‌های این گروه با دوستی‌های پیش از ازدواج کم و بیش موافق‌اند - تجربه مواجهه با کنترل رسمی را داشته‌اند	-	+	شبه محافظه کاران فضاهای عمومی
همه انواع فضاهای عمومی شهری	- خانواده‌های این گروه نگاه مثبتی به دوستی‌های پیش از ازدواج دارند - این نوع ارتباطات را حق فردی و خصوصی خود می‌دانند	-	-	عصبان‌گران فضاهای عمومی

+ نگران هستند - نگران نیستند

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، برحسب نگرانی مطالعه‌شوندگان از نوع کنترل اجتماعی؛ سه گروه شناسایی شده است:

محافظه کاران فضاهای عمومی^۱: این گروه هم از کنترل غیررسمی و هم کنترل رسمی نگران بوده و ترجیح می‌دهند تا در معرض هیچ کدام از این کنترل‌ها قرار نگیرند. این‌ها از حضور در مکان‌هایی که احتمال دیده شدن توسط آشنایان، وابستگان و



همچنین عوامل کنترل رسمی نظیر گشت پلیس وجود دارد پرهیز می کنند. به همین دلیل گرایش این گروه به مکان های خلوت و دور از چشم اجتماع است. این گروه اگر اتومبیل داشته باشند، ترجیح می دهند تا خارج از شهر بروند یا از آن به عنوان مکان اختفاء استفاده نماید. مکان های عمومی نظیر پارک ها، کافی شاپ های خلوت، خیابان ها و کوچه های فرعی و کم تردد از جمله مکان های مورد نظر این گروه در فضاهای عمومی است. این گروه حتی در صورت استفاده از کافی شاپ، ترجیح می دهند تا محل نشستن خود را در مجاورت پنجره انتخاب نکنند.

شبه محافظه کاران فضاهای عمومی^۱: این گروه عمدتاً نگران کنترل رسمی - و نه کنترل غیررسمی - است. اینان پیش تر تجربه واری واری توسط گشت پلیس را داشته اند. خانواده این گروه از رابطه فرزندان خود کم و بیش مطلع هستند و البته این به معنای موافقت کامل با چنین روابطی نیست. آنها نیز ترجیح می دهند تا از حضور در مکان های عمومی پرتردد، شلوغ و واجد دید اجتماع پرهیز کنند. به ویژه مکان هایی که در بین جوانان از نظر رصد و کنترل پلیس شهرت یافته است. به همین دلیل در بین شان نیز قسمت های خلوت پارک های عمومی، کافی شاپ ها، برخی مکان ها نظیر مراکز هنری که جوانان مطمئن هستند گشت پلیس در آنجا حضور ندارد، از جمله مکان های عمومی مورد استفاده است.

عصیان گران فضاهای عمومی^۲: این گروه نه نگران دیده شدن توسط دوستان و آشنایان و نه دستگیری توسط عوامل کنترل رسمی هستند. این گروه، معمولاً ارتباطات و دوستی های پیش از ازدواج را حق خود می دانند، البته تجربه واری توسط عوامل کنترل رسمی را قبلاً داشته اند. شرکت در پارتی های مختلط و رفتن به فضاهای عمومی مختلف، از جمله ویژگی های این گروه است. این افراد معمولاً واجد دو ویژگی هستند: والدین شان از روابط آنان مطلع بوده اند و نسبت به نحوه برخورد نهادهای اجتماعی با مقوله دوستی های پیش از ازدواج بسیار منتقد و حاضر بودند برای عقاید خود هزینه بپردازند.

1. semi - conservatives of public spaces

۲. Rebellions of Public Spaces (نویسندگان در انتخاب این واژه از تقسیم بندی رابرت مرتن از انواع تطابق

تأثیر پذیرفته اند.)



مکان‌های شهری پراقبال عشاق

پارک اولین مکانی است که در بین این گروه از جوانان پرطرفدار است (عکس‌های شماره ۱ و ۲). ولی در داخل همین پارک، نیز قسمت‌های مختلفی توسط این جوانان انتخاب می‌شود. در واقع طی گذشت زمان، قسمت‌های مختلف پارک از نظر حضور پلیس و همچنین حضور گروه‌های اجتماعی استفاده‌کننده از پارک تقسیم‌بندی شده است. معمولاً این گروه از جوانان دوره زمانی سرکشی گشت‌های پلیس را به حافظه سپرده و سعی می‌کنند در آن ساعات از پارک استفاده نکنند. آنها همچنین در این زمینه بین خود اطلاع‌رسانی کرده و در ساعات حضور گشت، با پیامک همدیگر را مطلع می‌کنند. نکته جالب در یافته‌ها آن است که معمولاً معتادان و عشاق جزء گروه‌هایی هستند که بعد از ظهرها و بین ساعات ۱۳ تا ۱۶ در پارک حاضر می‌شوند. از نظر آنان پارک‌ها در هنگام صبح متعلق به سالمندان و عصرها متعلق به خانواده‌هاست.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۶۸

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵



عکس ۱. حضور جوانان در ساعات میانی روز در پارک



عکس ۲. حضور جوانان در قسمت‌های کم‌تر قابل رؤیت پارک

بعد از پارک، کافی‌شاپ و سینما مهم‌ترین مکان‌های مورد اقبال جوانان شهر است. البته وضعیت اقتصادی این جوانان بر انتخاب این مکان‌ها تأثیرگذار بوده است. برای مثال در بین جوانانی که وضع مالی بهتری داشتند، کافی‌شاپ معمولاً در مرتبه اول انتخاب و برای سایر جوانان، پارک مهم‌تر بوده است. در همین راستا، کافی‌شاپ‌ها به رستوران یا فست‌فودها ترجیح داده شده، به این دلیل که در رستوران یا فست‌فود با تمام شدن صرف غذا، باید مکان را ترک کرد و این گروه علاقه دارند زمان بیشتری را در این مکان‌ها سپری کنند^۱ (عکس‌های شماره ۳).

۱. اینکه کدام کافی‌شاپ‌ها بیشتر مورد اقبال جوانان بوده و به غیر از موضوع انواع کنترل، کدام عوامل در انتخاب کافی‌شاپ نقش دارند، از موضوعاتی است که می‌توان در تحقیق مستقلی به آن پرداخت، زیرا این موضوع از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است.



عکس ۳. مکان‌های عمومی سرپوشیده مورد اقبال جوانان

وسیله نقلیه و استفاده از فضا

وسیله نقلیه تأثیر قابل توجهی در رفتارهای فرهنگی جوانان ایفا می‌کند و گاه حیات اجتماعی شهر را دستخوش تغییراتی می‌سازد (برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک. علیخواه، پورجعفری ۱۳۹۱). یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که معمولاً داشتن وسیله نقلیه توسط این جوانان، امکان جابه‌جایی بیشتری را برای آنان فراهم می‌آورد. همچنین وسیله نقلیه امکان دور بودن از عوامل کنترل رسمی نظیر گشت‌های پلیس را بیشتر می‌کند. یافته‌های این تحقیق گویای آن است که داشتن اتومبیل موجب دور شدن جوانان از فضاهای داخل شهری و گذران زمان با هم بودن در فضاهای خارج از شهر یا بین شهری نظیر سفره‌خانه‌های سنتی جاده‌های بین شهری می‌گردد. در واقع یکی از انگیزه‌های اصلی خروج از شهر با اتومبیل، دور بودن از امکان کنترل رسمی است. همچنین اتومبیل برای بخشی از این جوانان نقش مکان^۱ را هم ایفا می‌کند. به عبارت روشن‌تر، اتومبیل مکان

1. place

سرپوشیده و امنی تلقی می‌شود که در معابر عمومی خلوت پارک شده و این جوانان در داخل آن به گفت‌وگو با یکدیگر می‌پردازند. امکان برخورداری از موسیقی دلخواه یکی دیگر از جذابیت‌های اتومبیل پارک شده برای این جوانان است. آنان معمولاً با خرید خوراکی، سعی می‌کنند احساس در خانه بودن را به این مکان ببخشند.

یافته‌های جنبی

از جمله مکان‌هایی که شاید به مرور زمان جای خود را در بین این گروه از جوانان باز می‌کند، حضور در طبیعت و سفرهای یک روزه گروهی از طریق آژانس‌های مسافرتی است. مصاحبه‌شوندگان دلیل این انتخاب را قانونی بودن چنین سفرهایی و احتمال کم دخالت عوامل کنترل رسمی در آن می‌دانند. معمولاً استقبال جوانان دانشجویان از این نوع سفرها بیشتر است. از یافته‌های جالب توجه دیگر این تحقیق، رفتن به سینما نه برای تماشای فیلم، سوار شدن مینی‌بوس‌های بین شهری و عزیمت به مقصد، بدون پیاده شدن از مینی‌بوس و مجدداً برگشت به مبدأ آن‌هم چند بار در روز و صرفاً با هدف داشتن مکانی دور از کنترل رسمی، نشستن در داروخانه‌ها، نه با قصد خرید دارو و فقط با هدف دور بودن از دید عوامل کنترل رسمی است. همچنین انتخاب خیابان‌های فرعی خلوت، به دلیل امکان دویدن و یا خندیدن با صدای بلند از دیگر یافته‌های حائز اهمیت این تحقیق است.

نکته دیگر، علی‌رغم آنکه امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی به تدریج در برقراری ارتباط جوانان با جنس مخالف نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند و داده‌های این تحقیق نیز مؤید آن است، با این وجود در اقلیتی از گروه مورد مطالعه، بستر برقراری ارتباط فضاهای عمومی شهری بوده است. در این میان، پارک‌ها و کافی‌شاپ‌ها از مهم‌ترین فضاهای شهری بوده که این گروه از جوانان ارتباط خود را در آنجا شکل داده‌اند.

بحث

حیات فرهنگی جوانان^۱ در فضاهای عمومی شهری، در طول قرن بیستم و قرن جدید همواره مورد بحث نظریه پردازان عرصه مختلف دانشگاهی هم‌چون مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و شهرسازان بوده است. برخی از نظریه‌پردازان به حیات

1. cultural life of the youth





خیابانی^۱ جوانان پرداخته و به تعامل بین پلیس و جوانان توجه کرده‌اند. در این نوع تحقیقات معمولاً موضوع مجرمانه تلقی کردن فضای عمومی^۲ مورد بررسی قرار گرفته و تبعات چنین سیاست‌های مطالعه می‌شود. نقد محققان آن است که معمولاً در چنین سیاست‌هایی در خصوص جوانان، مفروضات پیش‌داورانه‌ای وجود داشته و آنان به‌عنوان جمعیت یا گروه سنی «مسئله‌دار»^۳ تلقی می‌شوند. در همین راستا، سیاست‌هایی که معمولاً جهت مدیریت مکان^۴ اتخاذ می‌شود از نوع قهرآمیز است. تلاش مجریان این نوع سیاست‌های شهری معمولاً بر آن است تا رویه‌های کنار گذاشته‌شدگی در فضاهای عمومی^۵ را اجرا نمایند. در طرف دیگر این طیف می‌توان از سیاست‌های شهری دربرگیرانه سخن گفت. سیاست‌هایی که جوانان خود یکی از ذی‌مدخلان مسئله دیده شده و اتخاذ تصمیمات برای آنان با مشارکت خود آنان انجام می‌شود. یافته‌های این تحقیق گویای آن است که بخش اعظم جوانانی که با جنس مخالف خود در شهر ظاهر می‌شوند، همواره با موضوع کنترل رسمی در کشاکش بوده و انتخاب مکان در فضاهای عمومی شهری توسط آنان با توجه به ضعف و شدت اعمال کنترل رسمی صورت می‌پذیرد. در همین راستا برخی از آنان تلاش می‌کنند تا با حضور در مکان‌های عمومی خلوت و کم تردد، خود را از فشار ابزارهای کنترل رسمی دور سازند. برخی دیگر تلاش می‌کنند تا با رفتن به خارج از شهر به چنین هدفی دست یابند. برخی نیز ترجیح می‌دهند با رفتن به مکان‌های خصوصی از انواع کنترل‌ها دور شوند. عباس کاظمی در مقاله خود نشان داده است که در میان گروه‌های پرسه‌زن تهرانی در پاساژها، جوانان بیش از همه دچار محدودیت‌ها هستند. از تجمع جوانان عصرها و شب‌ها در برخی پاساژها ممانعت به‌عمل می‌آید و از ورود پسران مجرد در آخر هفته جلوگیری می‌شود. دختران و پسران جوان در درون پاساژ برای مصاحبت و همراهی با یکدیگر دچار مشکل هستند. آنها به‌همین دلیل راه‌های دیگری برای آشنایی و دوست‌یابی در مراکز خرید پیدا کرده‌اند (کاظمی، ۱۳۸۳: ۱۰۸). به‌نظر می‌رسد که اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه در فضاهای عمومی می‌تواند بخشی از جوانان را

1. street life
2. criminalization of public space
3. problem populations
4. place management
5. exclusionary practices in public space

به سوی فضاهای خصوصی سوق دهد و در این صورت امکان کنترل رفتار کمی دشوار خواهد بود. همچنین معمولاً این نوع کنترل‌ها موجب می‌شود که برخی از فضاهای عمومی که کاربری‌های فرهنگی یا هنری دارند، در پنهان به‌عنوان یک مکان یا «جا» کارکرد یابند. منظور مکان‌هایی همچون سینما یا مراکز فرهنگی است که برای برخی از جوانان به منزله یک «مکان» تنزل یافته‌اند تا اینکه مکانی برای ارائه محصولات و دستاوردهای هنری باشند. حتی شاهدیم که مکانی همچون داروخانه هم در مواردی به منزله «جا» برای این جوانان تنزل می‌یابد. در واقع با مفهوم «جا» شاهد عملکردزدایی از مکان‌های عملکردی نظیر داروخانه‌ها، سینماها و کتابخانه‌ها هستیم. جوانانی که به دلیل حاکمیت نگاه جرم‌انگارانه به مکان و رفتارشان، همچون مجرمان از مکانی به مکان دیگر کوچ می‌کنند و هدف آنان با هم بودن و فرار از نظارت نهادهای رسمی همچون پلیس است. حس مجرم بودن حس نامطلوب است که برخی از جوانان مصاحبه‌شونده با خود داشتند. روشن است که تلقی جرم‌انگارانه از رفتارهای فرهنگی به‌ویژه رفتارهایی که دارای بستری فضایی و مکانی هستند چندان کمکی به حل مسائل نخواهد کرد. پلیسی شدن فضاهای عمومی موجب رونق فضاهای خصوصی خواهد شد. واقعیت آن است که این جوانان در فضاهای عمومی عمدتاً با یکدیگر صحبت می‌کنند، ولی در صورت سوق دادن آنان به فضاهای خصوصی و فضاهایی دور از چشم اجتماع، می‌توان انتظار داشت که مرزهای رابطه بسیار هنجارشکنانه‌تر شده و تبعات نگران‌کننده‌تری در برداشته باشد. وحید شالچی در تحقیق خود نشان داده است که برای مثال رفتن به مکانی همچون کافی‌شاپ در بین جوانان، نه رفتاری منفک از سایر ویژگی‌های نگرشی و رفتاری، بلکه جزئی از منظومه‌ای است که از آن با عنوان سبک زندگی یاد می‌شود (شالچی، ۱۳۸۶). این یافته‌ها بیانگر آن است که مواجهه جرم‌انگارانه با استفاده جوانان از فضاهای شهری، چندان کمکی به حل مسائل اجتماعی نکرده و موارد پیش گفته اساساً در عرصه فرهنگ قابل حل خواهد بود.



منابع

آزاد ارمکی، محمدتقی (۱۳۹۰). پیاده‌رو و حیات جمعی شهر. شهر، زیبایی، زندگی، سازمان زیباسازی شهر تهران، ۱ (۲)، (ویژه‌نامه پیاده‌راه).

سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی کج‌روی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شالچی، وحید (۱۳۸۶). سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱ (۱)، ۹۳-۱۱۵.

علیخواه، فردین و پورجعفری، متین (۱۳۹۱). تأملی بر خرده فرهنگ جوانان: مطالعه‌ای درباره ماشین‌رانی نمایشی جوانان شهر رشت. راهبرد فرهنگ، ۲۰، ۱۷۶-۱۵۵.

فلیک، اوه (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. (مترجم: هادی جلیلی). تهران: نشر نی.

کاظمی، عباس و اباذری، یوسف (۱۳۸۳). زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران. نامه انسان‌شناسی، ۳ (۶)، ۹۷-۱۱۶.

کاظمی، عباس و رضایی، محمد (۱۳۸۶). دیالکتیک تمایز و تمایززدایی: پرسه‌زنی و زندگی گروه‌های فرودست شهری در مراکز خرید تهران. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱ (۱)، ۱-۲۴.

کاظمی، عباس (۱۳۹۲). پرسه‌زنی و زندگی روزمره ایرانی: تأملی بر مصرف مراکز خرید. تهران: نشر فرهنگ جاوید.

Bondi, L. (1998). Gender, class, and urban space: public and private space in contemporary urban landscapes. *Urban Geography*, 19 (2), 160 - 185.

Brunson, R. K., & Weitzer, R. (2002). Police relations with black and white youths in different urban neighborhoods. *Urban Affairs Review*. 44, 858-85.

Crane, Ph., & Dee, M. (2001). Young people, space & new urbanism. *Youth Studies Australia*. 20 (1), 11-18, Available in: <http://eprints.qut.edu.au/61761/2/YSA2001.LATEST.pdf>

Crick, A. P. (2011). Rethinking oldenburg: Third places and generation Y in a developing country context. *International CHRIE Conference - Refereed Track*. University of Massachusetts - Amherst. Paper 7. Available in: http://scholarworks.umass.edu/refereed/ICHRIE_2011/Friday/7

Malone, K. (2002). Street life: Youth, culture and competing uses of public space. *Environment and Urbanization*. 14, 157, Available in: <http://eau.sagepub.com/content/14/2/157>.

Matthews, H. (1995). *Living on the edge: Children as outsiders*. Tijdschrift voor economische en sociale geografie, 86, 456-466.

Matthews, H., & Limb, M. (1999). Defining an agenda for the geography of children: review and prospect. *Progress in Human Geography*, 23 (1), 61-90.



فصلنامه علمی- پژوهشی

۱۱۴

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

- Nairn, K., Panelli, R. & McCormack, J. (2003). Destabilizing dualisms: Young people's experiences of rural and urban environments. *Childhood*, 10 (1), 9 – 42.
- Neal, Z. (2010). Seeking common ground: Three perspectives on public space. *Urban Design and Planning*. 163 (2), 59-66.
- Nieuwenhuys, O. (1997). Spaces for the children of the urban poor: Experiences with participatory action research (PAR). *Environment and Urbanization*, 9 (1), 233-250, Available in: <https://www.msu.edu/~zpneal/publications/neal-seekingcommon.pdf>.
- O'Brien, M., Rustin, M., Jones, D., & Sloan, D. (2000). Children's independent spatial mobility in the urban public realm. *Childhood*, 7 (3), 257 - 277.
- Oldenburg, R., (1999) *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons and other hangouts at the heart of a community*. Da Capo Press.

خلاصه‌ای از کتاب فوق از سایت زیر اخذ شده است:

<https://www.mnsu.edu/voices/greatgoodplace.pdf>.

Owens, P.E. (1988) Natural landscapes, gathering places, and prospect refuges: Characteristics of outdoor places valued by teens. *Children's Environments Quarterly*, 5 (2): 17 - 24.

Rosenbaum, M. S., Sweeney, J. C., & Windhorst, C. (2009). The restorative qualities of an activity - based, third place café for seniors: Restoration, social support, and place attachment at mather's—more than a café. *Seniors Housing & Care Journal*. 17 (1), 39-54.

Tonnelat, S. (2008). The sociology of urban public spaces. *first Sino - French Conference on Urban Planning held at Nanjing University*. Available in: https://www.academia.edu/313641/The_Sociology_of_Urban_Public_Spaces.

Travlou, P. (2003). Teenagers and public space: A literature review OPEN space: the research centre for inclusive access to outdoor environments. Edinburgh College of Art and Heriot - Watt University. Available in: <http://www.openspace.eca.ac.uk/pdf/teenagerslitrev.pdf>.

White, R. (1993). Young people and the policing of community space. *Australian and New Zealand Journal of Criminology*, 26 (3), 207 - 218.

White, R. (1993). *Young people, community space and social control*. In L. Atkinson, & S. Gerull (eds.), National Conference on Juvenile Justice (pp. 189 - 202). Australian Institute of Criminology, Canberra. Available in: http://www.aic.gov.au/media_library/publications/proceedings/22/white.pdf.

White, R. (1993). Youth and the conflict over urban space. *Children's Environments*, 10 (1), 110 - 123. Available in: <http://www.colorado.edu/journals/cye/>

White, R. (1996). No - go in the fortress city: Young people, inequality and space. *Urban Policy and Research*, 14 (1), 37 – 50.



- White, R. (1996). No go in the fortress city: Young people, space and inequality. *Urban Policy and Research*, 14(1), 37 - 50.
- White, R. (1997) Regulating youth space. *Alternative Law Journal* , 22 (1), 30 - 32, 45.
- White, R. (1997). Public space and youth crime prevention: Institutions & strategies. Paper presented at Australian Institute of *Criminology Conference Juvenile Crime and Juvenile Justice: Toward 2000 and beyond*, Available in: http://www.aic.gov.au/media_library/conferences/juvenile/white.pdf
- White, R. (2002). Public spaces for young people: A guide to creative projects & positive strategies. Available in: http://www.crimeprevention.gov.au/Publications/PublicSafety/Documents/Public_Spaces_for_Young_People.pdf
- White, R. (2003). Street policing and regulation of public space. Paper presented at the *Juvenile Justice: From Lessons of the Past to a Road Map for the Future Conference* Convened by the Australian Institute of Criminology in Conjunction with the NSW Department of Juvenile Justice and held in Sydney, 1 - 2 December 2003. Available in: http://www.aic.gov.au/media_library/conferences/2003 - juvenile/white.pdf
- White, R., & Sutton, A. (1995). Crime prevention, urban space and social exclusion. *Australian and New Zealand Journal of Sociology*, 31(1), 82 - 99.
- White, R., & Sutton, A. (1995). Crime prevention, urban space and social exclusion. *Journal of Sociology*. 31:82. Available in: <http://jos.sagepub.com/content/31/1/82>
- White, R. (1993). Young people and the policing of community space. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*. 26, 207
- Woolley, H. & Jones, R. (2010). Skateboarding: The city as a playground. *Journal of Urban Design*. Available in: <http://www.tandfonline.com/loi/cjud20>
- Woolley, H. (2003). Excluded from the streets. *Sheffield Online Papers in Social Research*, University of Sheffield, Sheffield. Available in: http://www.sheffield.ac.uk/polopoly_fs/1.71417!/file/7woolley.pdf



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۷۶

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

Lovers and City

A Study about Youth and Uses of Public Spaces

Received Date: July 6, 2015

Accepted Date: April 21, 2016

Fardin Alikhah¹

Masomeh Shadmanfaat²

Abstract

There has been a huge concern about the manner of confrontations of different social groups with urban public spaces within urban scholars. Among these social groups, young people have been particularly important. Because they have a tangible presence in the city's public spaces and social life of the city are affected by their presence. This paper examines the uses of public spaces by young people and will pay special attention to the role of social control on the use of public spaces. Paper focuses on the study of young people who attend in public places with their friends from opposite sex. We have inspired by theories of urban public spaces such as Oldenburg's third place as well as comprehensive research of Rob White on crime, policing and urban public spaces in Australia in this paper. The main question of the paper is that this particular group of young people choose which public spaces and why? In a qualitative approach, two techniques of observation and in - depth interviews have been chosen for collecting data. Original data collected in interviews with 20 girls and boys who attend in public places with their friends from opposite sex. Results show that parks and coffee shops are preferred urban public places of youth. Formal control would push these youth to out of the way and cozy public spaces.

Keywords: Public Spaces, Youth, Formal and Informal Control.



IJCR

27

Abstract

1. Assistant Professor of Sociology, University of Guilan, falikhah@guilan.ac.ir
2. M.A. of Sociology, University of Guilan, Shamila.shadmanfaat@gmail.com



Bibliography

- Āzād Armaki, M. T. (1390 [2011 A.D]). Piādeh ru va hayāt-e jam'i-e šahr. *Šahr, zibāyi, zendegi (Sāzmān-e Zibā Sāzi-e Šahr-e Tehrān)*, 1(2).
- 'Alixāh, F., & Pur Ja'fari, M. (1391 [2012 A.D]). Ta'amoli bar xordeh farhang-e javānān: motāle'eh-i darbāreh-ye māšin rāni-e namāyeši-e javānān-e šahr-e Rašt. *Rāhbord-e farhang*, 20, 155-176.
- Bondi, L. (1998). Gender, class, and urban space: public and private space in contemporary urban landscapes. *Urban Geography*, 19 (2), 160 - 185.
- Brunson, R. K., & Weitzer, R. (2002). Police relations with black and white youths in different urban neighborhoods. *Urban Affairs Review*. 44, 858–85.
- Crane, Ph., & Dee, M. (2001). Young people, public space & new urbanism. *Youth Studies Australia*. 20 (1), 11-18, Available in: <http://eprints.qut.edu.au/61761/2/YSA2001.LATEST.pdf>
- Crick, A. P. (2011). Rethinking oldenburg: Third places and generation Y in a developing country context. *International CHRIE Conference - Refereed Track*. University of Massachusetts – Amherst. Paper 7. Available in: http://scholarworks.umass.edu/refereed/ICHRIE_2011/Friday/7
- Flick, U. (1387 [2008 A.D]). *Darāmadi bar tahqiq-e keyfi* (Persian translation of An introduction to qualitative, research), translated by: Jalili, H. Tehrān: Našr-e Ney.
- Kāzemi, 'A. (1392 [2013 A.D]). *Parseh zani va zendegi-e ruzmareh-ye irāni: ta'amoli bar masraf-e marākez-e xarid*. Tehrān: Našr-e Farhang-e Jāvid.
- Kāzemi, 'A., & Abāzari, Y. (1383 [2004 A.D]). Zendegi-e ruzmareh va marākez-e xarid dar šahr-e Tehrān. *Nāmeḥ-ye ensān šenasi*, 3(6), 97-116.
- Kāzemi, 'A., & Rezāyi, M. (1386 [2007 A.D]). Diālektik-e tamāyoz va tamāyoz zodāyi: parseh zani va zendegi-e goruh hā-ye forudast-e šahri dar marākez-e xarid-e Tehrān. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 1(1), 1-24.
- Malone, K. (2002). Street life: Youth, culture and competing uses of public space. *Environment and Urbanization*. 14, 157, Available in: <http://eau.sagepub.com/content/14/2/157>.
- Matthews, H. (1995). *Living on the edge: Children as outsiders*. Tijdschrift voor economische en sociale geografie, 86, 456–466.
- Matthews, H., & Limb, M. (1999). Defining an agenda for the geography of children: review and prospect. *Progress in Human Geography*, 23 (1), 61–90.
- Nairn, K., Panelli, R. & McCormack, J. (2003). Destabilizing dualisms: Young people's experiences of rural and urban environments. *Childhood*, 10 (1), 9 – 42.
- Neal, Z. (2010). Seeking common ground: Three perspectives on public space. *Urban Design and Planning*. 163 (2), 59-66.

- Nieuwenhuys, O. (1997). Spaces for the children of the urban poor: Experiences with participatory action research (PAR). *Environment and Urbanization*, 9 (1), 233-250, Available in: <https://www.msu.edu/~zpneal/publications/neal-seekingcommon.pdf>.
- O'Brien, M., Rustin, M., Jones, D., & Sloan, D. (2000). Children's independent spatial mobility in the urban public realm. *Childhood*, 7 (3), 257 - 277.
- Oldenburg, R., (1999) *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons and other hangouts at the heart of a community*. Da Capo Press, A summary of the book is taken from the following website: <https://www.mnsu.edu/voices/greatgoodplace.pdf>.
- Owens, P.E. (1988) Natural landscapes, gathering places, and prospect refuges: Characteristics of outdoor places valued by teens. *Children's Environments Quarterly*, 5 (2): 17 - 24.
- Rosenbaum, M. S., Sweeney, J. C., & Windhorst, C. (2009). The restorative qualities of an activity - based, third place café for seniors: Restoration, social support, and place attachment at mather's—more than a café. *Seniors Housing & Care Journal*. 17 (1), 39-54.
- Šālči, V. (1386 [2007 A.D]). Sabk-e zendegi-e javānān-e kāfi šāp. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 1(1), 93-115.
- Salimi, 'A., & Dāvāri, M. (1391 [2012 A.D]). *Jāme'eh šenāsi-e kaj ravi*. Qom: Pažuhešgāh-e Huzeh va Dānešgāh.
- Tonnelat, S. (2008). The sociology of urban public spaces. *first Sino - French Conference on Urban Planning held at Nanjing University*. Available in: https://www.academia.edu/313641/The_Sociology_of_Urban_Public_Spaces.
- Travlou, P. (2003). Teenagers and public space: A literature review OPEN space: the research centre for inclusive access to outdoor environments. Edinburgh College of Art and Heriot - Watt University. Available in: <http://www.openspace.eca.ac.uk/pdf/teenagerslitrev.pdf>.
- White, R. (1993). Young people and the policing of community space. *Australian and New Zealand Journal of Criminology*, 26 (3), 207 - 218.
- White, R. (1993). *Young people, community space and social control*. In L. Atkinson, & S. Gerull (eds.), National Conference on Juvenile Justice (pp. 189 - 202). Australian Institute of Criminology, Canberra. Available in: http://www.aic.gov.au/media_library/publications/proceedings/22/white.pdf.
- White, R. (1993). Youth and the conflict over urban space. *Children's Environments*, 10 (1), 110 - 123. Available in: <http://www.colorado.edu/journals/cye/>
- White, R. (1996). No - go in the fortress city: Young people, inequality and space. *Urban Policy and Research*, 14 (1), 37 - 50.





- White, R. (1996). No go in the fortress city: Young people, space and inequality. *Urban Policy and Research*, 14(1), 37 - 50.
- White, R. (1997) Regulating youth space. *Alternative Law Journal* , 22 (1), 30 - 32, 45.
- White, R. (1997). Public space and youth crime prevention: Institutions & strategies. Paper presented at Australian Institute of *Criminology Conference Juvenile Crime and Juvenile Justice: Toward 2000 and beyond*, Available in: http://www.aic.gov.au/media_library/conferences/juvenile/white.pdf
- White, R. (2002). Public spaces for young people: A guide to creative projects & positive strategies. Available in: http://www.crimeprevention.gov.au/Publications/PublicSafety/Documents/Public_Spaces_for_Young_People.pdf
- White, R. (2003). Street policing and regulation of public space. Paper presented at the *Juvenile Justice: From Lessons of the Past to a Road Map for the Future Conference* Convened by the Australian Institute of Criminology in Conjunction with the NSW Department of Juvenile Justice and held in Sydney, 1 - 2 December 2003. Available in: http://www.aic.gov.au/media_library/conferences/2003 - juvenile/white.pdf
- White, R., & Sutton, A. (1995). Crime prevention, urban space and social exclusion. *Australian and New Zealand Journal of Sociology*, 31(1), 82 - 99.
- White, R., & Sutton, A. (1995). Crime prevention, urban space and social exclusion. *Journal of Sociology*. 31:82. Available in: <http://jos.sagepub.com/content/31/1/82>
- White,R. (1993). Young people and the policing of community space. *Australian & New Zealand Journal of Criminology*. 26, 207
- Woolley, H. & Jones, R. (2010). Skateboarding: The city as a playground. *Journal of Urban Design*. Available in: <http://www.tandfonline.com/loi/cjud20>
- Woolley, H. (2003). Excluded from the streets. *Sheffield Online Papers in Social Research*, University of Sheffield, Sheffield. Available in: http://www.sheffield.ac.uk/polopoly_fs/1.71417!/file/7woolley.pdf